

## مجلس هجدهم: رفتارشناسی علما با خویشاوندان

حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی فیروز مهر\*

### اشاره

انسان، موجودی است اجتماعی، و اجتماع، آینه‌ای است که شخصیت هر فرد را در معرض دید دیگران قرار می‌دهد. اجتماع خویشاوندی، به لحاظ اینکه حضور و ارتباط در آن مستمر است و افراد کمتر امکان محافظه‌کاری دارند، در نمایاندن شخصیت هر فرد نقش بیشتری دارد. در اسلام داشتن ارتباط و رفتار سالم، سازنده و رشددهنده با خانواده و خویشان، بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. امام علی علیه السلام فرمود: «خویشانت را گرامی مدار؛ زیرا ایشان بال تو هستند که بدان پرواز می‌کنی و اصل و ریشه تو هستند که به آنها باز می‌گردد و دست و بازوی نیرومند تو هستند که به آن اقدام می‌کنی؛ وَأَكْرَمُ عَشِيرَتِكَ فَإِنَّهُمْ جَنَاحُكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ وَأَصْلُكَ الَّذِي إِلَيْهِ تَصِيرُ وَيَدُكَ الَّتِي بِهَا تَصُولُ.»<sup>۱</sup> شاید به همین دلیل، به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده شد برنامه تبلیغی و اصلاحی خود را از عشیره و نزدیکانش آغاز کند؛ «وَأَنْزِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»<sup>۲</sup> و خویشاوندان نزدیکت را انداز کن!»

ارتباط با خویشاوندان در زندگی ماشینی امروزی، بسیار کم‌رنگ و بی‌رونق شده و این سنت مهم دینی که آثار فردی و اجتماعی گوناگونی دارد و می‌تواند در انتقال ارزش‌ها و رفع آسیب‌های مادی، روانی و معنوی افراد جامعه مؤثر باشد، در حال فراموشی است. از این رو، لازم است به آن توجه جدی شود. برای ارتباط و رفتار سالم و سازنده با خویشان، نیازمند الگوی مناسبی هستیم

\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. سوره شعراء، آیه ۲۱۴.

که به عنوان نقشه راه از آن بهره گرفته شود. چنین الگویی، در قالب آموزه‌های دینی و در رفتار پیشوایان معصوم علیهم‌السلام ارائه شده است. عالمان ربانی، با وجود آنکه معصوم نیستند، با بهره‌گیری درست از آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، تعامل و رفتار مطلوبی با خویشان داشتند و خود الگوی مناسب برای دیگران شده‌اند.

### احترام به والدین

هر فردی بیشترین خدمت و احسان و ایثار را در زندگی، از والدین خود دریافت می‌کند. به همین دلیل، بالاترین حق را والدین بر عهده فرزندان دارند. خداوند پس از بیان حق خود بر بندگان، حق والدین را یادآوری می‌کند؛ به عنوان نمونه، فرموده:

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»<sup>۱</sup> و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنان فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به ایشان بگو!

در این آیه، ضمن تأکید بر احسان به والدین در هر شرایطی، احترام به ایشان، به خصوص زمانی که نیاز به کمک دارند، و وظیفه قطعی فرزند معرفی شده است. علمای دین با آگاهی از آموزه‌های دینی، به شکل مطلوب، احترام والدین خود را نگه می‌داشتند. رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله) اظهار داشته:

«... پدر ایشان (پدر شهید مطهری، شیخ محمدحسین مطهری)، جزء روحانیونی بود که از جنبه معنوی و زهد و تقوا، یک فرد ممتاز بود. خود مرحوم مطهری رحمته‌الله عمیقاً به پدرشان ارادت می‌ورزید و احترام پدرش را در حدّ زیاد و کم‌نظیر نگه می‌داشت. ایشان جلوی پدرش هرگز من ندیده بودم شوخی کند. بارها اتفاق افتاده بود در جلساتی که ما در مشهد با آقای مطهری داشتیم، پدر ایشان هم حضور داشت. ایشان در مقابل پدرشان به‌قدر [بسیار] مؤدب برخورد می‌کرد؛ این، حاکی از این بود که عمیقاً برای پدرشان احترام

۱. سوره اسراء، آیه ۲۳ - ۲۴.

قابل بودند. خود ایشان هم بارها می‌گفت: من، انس به عبادت و ذکر و اخلاق اسلامی را از پدرم یاد گرفتم...»<sup>۱</sup>

احترام به مادر به لحاظ ایثارهای بی‌بدلیش و سختی‌هایی که در دوران بارداری، وضع حمل و یا شیردهی تحمل می‌کند، بیشتر مورد تأکید است. قرآن وقتی احسان و احترام والدین را یادآوری می‌کند، حق مادر را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد: «وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا»<sup>۲</sup> ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند. مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش، سی ماه است.»

در این آیه، خداوند نخست وصیت خود به انسان درباره احسان به والدین را یادآوری می‌کند و آنگاه می‌فرماید: «مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش، سی ماه است.» این توضیح درباره زحمت‌های مادر، معنایش آن است که او در احترام و احسان، حق بیشتری دارد.

گویند: «آیت‌الله سید بهاء‌الدین مهدوی<sup>رحمته‌الله</sup> در تمام سفرها حتی سفر تحصیلی به نجف اشرف، مادر را با اینکه ضرورتی نداشت، همراه خود می‌برد و از ایشان مراقبت می‌کرد. این ادب، حتی در کارهای جزئی نیز رعایت می‌شد. هرگز جلوتر از مادر راه نمی‌رفت و مقید بود که پشت سر ایشان حرکت کند. در اتاقی که مادرشان حضور داشت، هرگز پای خویش را دراز نمی‌کرد. وقتی مادر به اتاقش می‌آمد، در مقابلش با احترام و ادب کامل می‌نشست. برای استراحت و خواب، هرگز بر مادرش سبقت نمی‌گرفت.

مادر مکرمش به دلیل انس و علاقه‌ای که به ایشان داشت، شب‌ها پس از نماز و مطالعه و صرف شام، به اتاقش می‌آمد تا کمی کنارشان باشد. در این اوقات، هرچقدر هم که مادر نزدش می‌ماند، نه تنها استراحت نمی‌کرد، بلکه حتی نشان نمی‌داد که قصد استراحت دارد یا خسته است. پس از اینکه مادر به میل خود اتاق را ترک می‌کرد، ایشان مشغول استراحت می‌شد.»<sup>۳</sup>

رفتار برخی عالمان ربانی با مادر، فوق‌العاده جالب و آموزنده است؛ برای مثال، درباره شیخ

۱. مهدی محمدی صیفار، مشق مهر، ص ۱۸۱.

۲. سوره احقاف، آیه ۱۵.

۳. سید ابوالحسن مهدوی، اسوه بندگی، ص ۱۲۲.

مرتضی انصاری نوشته‌اند:

«شیخ اعظم، فقیه بزرگ، مادرش را تا نزدیک حمام به دوش می‌گرفت و او را به زن حمامی سپرده، می‌ایستاد، تا بعد از پایان کار، او را به خانه برگرداند. هرشب به دست‌بوسی مادر می‌آمد و صبح با اجازه او از خانه بیرون می‌رفت. پس از مرگ مادر، به شدت می‌گریست. فرمود: گریه‌ام برای این است که از نعمت بسیار مهمی، چون خدمت به مادر محروم شدم. شیخ پس از مرگ مادر، با کثرت کار و تدریس و مراجعات، تمام نمازهای واجب عمر مادرش را خواند؛ با آنکه مادر از متدیته‌ها (زنان متدین) روزگار بود.»<sup>۱</sup>

### صله رحم

یکی از رفتارهای مطلوب و مورد تأکید دین، پیوند با خویشاوندان است. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «از اکنون تا روز قیامت که فرا برسد، حاضران و غائبان اتمم را و نیز کسانی را که در آینده به دنیا می‌آیند، به صلّه رحم سفارش می‌کنم؛ حتی اگر برای انجام آن نیاز باشد که یک سال راه بیمایند؛ زیرا صلّه رحم، جزئی از دین است؛ أُوصِي الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِي وَالْغَائِبَ مِنْهُمْ وَمَنْ فِي أَصْلَابِ الرَّجَالِ وَأَرْحَامِ النِّسَاءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَنْ يَصِلَ الرَّحِمَ وَإِنْ كَانَتْ مِنْهُ عَلَى مَسِيرَةِ سَنَةٍ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ.»<sup>۲</sup>

پیوند با خویشاوندان، عام است و به اشکال مختلف از قبیل: دیدار، احسان، تأمین نیازهای مالی، دفاع از آنان در برابر ظلم، عطوفت و مهربانی و حتی سلام کردن و احوال‌پرسی می‌تواند انجام گیرد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «صلّه رحم به جا آورید؛ هرچند با سلام کردن باشد؛ صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَ لَوْ بِالسَّلَامِ.»<sup>۳</sup>

عالمان ربانی چون می‌دانستند صلّه رحم، جزء دین است و باید به عمل درآید، تلاش می‌کردند به این واجب دینی عمل کنند. در احوال شهید بهشتی نوشته‌اند:

۱. مهدی محمدی صیفار، مشق مهر، ص ۱۸۷.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۵۱.

۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۷.

«با وجود وقت اندکی که برای او باقی می ماند، از صله ارحام خودداری نمی کرد و در تعطیلات نوروز یا تابستان، حتی اگر پنج دقیقه وقت هم شده بود، به خویشاوندانش سر می زد.»<sup>۱</sup>

اهمیت صله ارحام در دین، به لحاظ آثاری است که در همه اعصار، حتی در عصر زندگی صنعتی امروز که سوگ مندانه این گونه سنت ها در حال فراموشی است، بر آن مترتب می گردد. برخی از این آثار، عبارت اند از:

۱. اثر بینشی: صله رحم کمک می کند این بینش که انسان، حقیقت واحدی است که در افراد گوناگونی ظهور و بروز یافته، همواره زنده بماند و تقویت گردد و نیز به طور غیرمستقیم می آموزد که افراد در جامعه بزرگ انسانی، باید یکدیگر را اعضای یک پیکر ببینند؛ چنان که اگر به عضوی از آن آسیب برسد، سایر اعضا بی قرار می شوند.

بنی آدم اعضای یکدیگرند  
که در آفرینش ز یک گوهرند  
چو عضوی به درد آورد روزگار  
دگر عضوها را نماند قرار

۲. اثر عاطفی: صله رحم در بُعد عاطفی، کمک می کند تعاطف و مهربانی و محبت و رزی در سطح خویشان گسترش یابد و از آن به سطح بالاتر سرایت کند و جامعه ای شکل بگیرد که همه اعضا به یکدیگر عشق بورزند و از کینه و بدبینی و بدخواهی فاصله بگیرند.

۳. اثر رفتاری: صله رحم در بُعد رفتاری، به زندگی مسالمت آمیز و روح تعاون و هم افزایی در گسترش خیر و صلاح و نیز زندگی سرشار از برکت و آرامش میان اعضای جامعه ارحامی می انجامد. ارتباط با خویشان و رسیدگی به مشکلات آنها، سبب می شود کدورت ها برطرف گردد و دل های کسانی که کمک دریافت می کنند و مورد توجه و لطف قرار می گیرند، به توجه کنندگان نزدیک شود و این حالت، از سطح خویشان به سطح جامعه سرایت کند.

### جلسات دوره می

جلسات دوره می خویشاوندان، فرصتی است که اعضای یک عشیره، از ضعف و توانایی و تجارب یکدیگر باخبر شوند و به تقویت و تعالی یکدیگر و رفع اشکال های موجود اقدام کنند. گاهی در این گونه جلسات، از روی جهل یا هر عامل دیگر، برخی ارزش ها رعایت نمی شود و

۱. مهدی محمدی صیفار، مشق مهر، ص ۱۹۶.

چه بسا این نشست‌ها، نتیجه عکس به همراه داشته باشد. در قرآن کریم، از چنین نشست‌هایی انتقاد شده است: «قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُثَلَّى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تُنْكِرُونَ \* مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ»<sup>۱</sup> [آیا فراموش کرده‌اید که] در گذشته، آیات من پیوسته بر شما خوانده می‌شد؛ اما شما اعراض کرده، به عقب باز می‌گشتید؛ درحالی‌که در برابر او (پیامبر) استکبار می‌کردید و شب‌ها در جلسات خود به بدگویی می‌پرداختید.»

برخی عالمان پارسا با خویشان خود جلسات دوره‌می تشکیل می‌دادند که حضور آنها در جمع فامیل جالب است. همسر آیت‌الله محمدحسن الهی<sup>رحمه‌الله</sup>، برادر علامه طباطبایی<sup>رحمه‌الله</sup>، نقل می‌کند: «این دو برادر، بسیار با همدیگر خوب بودند. آن موقعی که علامه تبریز بود، از همدیگر جدا نمی‌شدند. علامه هم به آقا خیلی علاقه داشتند. همیشه ناهار چیزی می‌گذاشتند و می‌فرستادند دنبال ما که بیایید ناهار دور هم باشیم. وقتی هم مشهد می‌رفتیم، به منزل دخترعمه‌شان می‌رفتیم؛ همان دختر علی‌آقای قاضی. می‌گفت: فامیل‌اند؛ بگذار خیرمان برای اینها باشد.»<sup>۲</sup>

میهمانی‌ها و دور هم بودن خویشاوندان با محوریت یک عالم پارسا، کمک می‌کند که جلوی لغزش‌ها گرفته شود و اخلاق و رفتار مطلوب، میان خویشاوندان گسترش یابد. آیت‌الله مجتهدی<sup>رحمه‌الله</sup> با نقل خاطره‌ای از استاد خود در مورد ارتباط ایشان با بستگانی که برخی آداب عرفی را رعایت نمی‌کردند، می‌گوید:

«استاد ما، حضرت آیت‌الله حاج شیخ علی‌اکبر برهان<sup>رحمه‌الله</sup> می‌فرمودند: روزی به خانه رفتم و متوجه شدم که عده‌ای مهمان از طرف آشنایان و فامیل‌های همسر تشریف دارند و بعضی از آنها بدون رعایت اینکه ما روحانی هستیم و مردم از ما بیش از دیگران توقع دارند، با ظاهری که شرعی، ولی با عرفیات طلبگی ما مناسب نبود، حضور داشتند؛ لذا به اهل بیت گفتم که برای آنها توضیح دهد که متوجه بشوند و آنها هم الحمدلله متذکر می‌شدند و بعد از این جریان، هر وقت منزل ما می‌آیند، آنها هم رعایت عرفیات را می‌کنند.»<sup>۳</sup>

ویژگی جلسات فامیلی و دوره‌می، این است که انسان نشاط پیدا می‌کند و چیزهایی را که فرا

۱. سوره مؤمنون، آیه ۶۶-۶۷.

۲. سید محمدحسین حسینی طهرانی، روح مجرد، ص ۱۷۴.

۳. مهدی محمدی صیفار، مشق مهر، ص ۱۹۵.

می‌گیرد، برایش به صورت یک خاطره باقی می‌ماند. دختر حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی می‌گوید:

«یکی از خاطرات خوش دوران کودکی‌ام، زمانی بود که همراه پدر به جلسه‌هایی می‌رفتم که شهید مطهری و شهید بهشتی را می‌دیدم. پدر، آن روزها خیلی بانشاط و سرحال بودند. البته اکنون هم با همه مشغله‌هایشان، مانند گذشته جلسه فامیلی دارند. همه در یک جا جمع می‌شویم. حاج‌آقا چند ساعتی با فامیل هستند و بعد دوباره سراغ مطالعه‌شان می‌روند.»<sup>۱</sup>

### هدیه‌دادن

هدیه، به معنای تحفه و ارمغانی است که به رسم اظهار دوستی و بزرگداشت، به کسی بدهند یا برای او بفرستند. هدیه‌دادن، سنت دینی است که محبت را میان افراد افزایش می‌دهد و کینه و بدخواهی‌ها را از بین می‌برد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «به یکدیگر هدیه دهید، تا همدیگر را دوست بدارید. به یکدیگر هدیه دهید؛ زیرا هدیه، کینه‌ها را از بین می‌برد؛ تَهَادُوا تَحَابُّوا، تَهَادُوا فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالضَّغَائِنِ.»<sup>۲</sup>

یکی از رفتارهای عالمان الهی با خویشاوندان، این بود که سعی می‌کردند به ایشان هدیه تقدیم کنند. در خاطرات فرزند شهید بهشتی آمده است:

«ما معمولاً سالی دو بار برای دیدار اقوام و خویشاوندان به اصفهان می‌رفتیم که عید نوروز و تابستان بود. پدرم این روزها را بین منزل مادرشان و منزل مادر همسرشان تقسیم می‌کردند و از اقوام دیدار می‌کردند که گاه ربع ساعت، زمان دیدار از هر یک از اقوام بود. غالباً هدایایی هم از تهران برای اقوام می‌بردند؛ مثلاً چون علاقه خاصی به عطر یاس داشتند، در ایام نوروز و آخر سال، شیشه بزرگی از این عطر می‌خریدند و ما با سرنگ آن را در شیشه‌های کوچک‌تری خالی می‌کردیم و به فرزندان اقوام، این عطرها را هدیه می‌دادند.»<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۱۹۶.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۴۴.

۳. مهدی محمدی صیفار، مشق مهر، ص ۱۹۵.

## تحمل

هر فردی در زندگی فردی و ارتباطات با دیگران، خواه‌ناخواه با رفتار و اموری مواجه می‌شود که موافق خواست و میل او نیست و چه بسا اذیت‌کننده هم هست. در این‌گونه موارد، تا آنجا که مربوط به منافع شخصی است و به اصول دینی و انسانی لطمه‌ای نمی‌زند، تحمل کردن و خود را به غفلت زدن، به این معنا که گویا چیزی اتفاق نیفتاده، نقش مهمی در آسایش و آرامش آدمی و استمرار ارتباطات او خواهد داشت. امام علی علیه السلام فرمود: «عاقِل، نیمش تحمل است و نیم دیگرش، تغافل؛ وَ أَنَّ الْعَاقِلَ نِصْفُهُ إِحْتِمَالٌ وَ نِصْفُهُ تَغَافُلٌ.»<sup>۱</sup> تعامل و ارتباطات، در محیط خانواده و خویشاوندان بیشتر است و در این محیط، زمینه مواجه شدن با برخوردهای آزاردهنده نیز فراهم است. بنابراین، ضرورت تحمل و تغافل در این فضا، بیشتر مورد نیاز است. عالمان دین به لحاظ اینکه بیش از دیگران در معرض نیاز و ارتباط مردم هستند، از این مهارت در مواجهه با رفتارهای نامطلوب خویشاوندان بهره می‌گرفتند. درباره سید هاشم حداد نوشته‌اند:

«مادرزن سید هاشم حداد علیه السلام، یکی از زنان نیرومند، پرخاشگر و تندخو بود و بسیار سید هاشم را اذیت می‌کرد. سید هاشم حداد می‌گوید: چندین بار خدمت آقای قاضی عرض کردم: اذیت‌های قولی و فعلی اُم‌الزوجه به من، به حدّ نهایت رسیده است و من حقاً دیگر تاب و صبر و شکیبایی آن را ندارم و از شما می‌خواهم که به من اجازه دهید تا زنم را طلاق بدهم. مرحوم قاضی فرمودند: «از این جریان‌ات گذشته، تو زنت را دوست داری؟» عرض کردم: آری. فرمودند: «آیا زنت هم تو را دوست دارد؟» عرض کردم: آری! فرمودند: «ابداً راه طلاق نداری! برو صبر پیشه کن؛ تربیت تو، به دست زنت می‌باشد و با این طریق که می‌گویی، خداوند چنین مقرر نموده است که ادب تو، به دست زنت باشد. باید تحمل کنی و بسازی و شکیبایی پیشه گیری!» من هم از دستورات مرحوم قاضی ابداً تخطی و تجاوز نکردم و آنچه این مادرزن بر مصائب ما می‌افزود، تحمل می‌نمودم.»<sup>۲</sup>

## رفت‌وآمد با خویشاوندان

یکی از عرصه‌های مهم رفتار با خویشاوندان، رفت‌وآمد با بستگان زن و شوهر است؛ یعنی زن و شوهر - تا آنجا که شرع منع نکرده - حق ندارند یکدیگر را از دیدار آنان منع کنند؛ زیرا منع

۱. لثی واسطی، عیون الحکم، ص ۸۴.

۲. سید محمدحسین حسینی طهرانی، روح مجرد، ص ۱۷۴.



رفت‌وآمد، با اخلاق دینی و انسانی همسویی ندارد. مانع‌شدن شوهر از زن برای رفت‌وآمد با پدر، مادر و بستگانش، عملی خلاف محبت و عاطفه انسانی است. متأسفانه، بعضی از مردان همسر خویش را از رفت‌وآمد به خانه پدر و مادرش یا خواهر و برادرش منع می‌کنند و او را همچون اسیری ذلیل در بند خود دارند؛ اخلاقی که مورد نفرت حضرت حق و باعث محرومیت انسان از رحمت الهی است. البته مرد در امور خیر، حلّ مشکلات مردم و یا رفت‌وآمد با بستگان، نباید تسلیم خواسته غلط زن یا فرزند خود شود؛ زیرا شوهر با توجه به اینکه مأمور است از روش رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پیروی کند، وظیفه‌اش هدایت بستگان و انداز آنان نیز هست؛ «وَأَنْزَلْنَا عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»<sup>۱</sup> بسیار خداپسندانه است که انسان گاهی اقوام خود و همسرش را در خانه‌اش جمع کند و اگر تخصص و مهارت این کار را دارد، آنان را نصیحت نماید و از عواقب اعمال زشت بترساند. می‌گویند علامه مجلسی شب‌های جمعه این برنامه را برای زن و فرزند و بستگانش داشت و انجام این کار را بر خود لازم می‌دانست.<sup>۲</sup> امروزه متأسفانه، این آموزه دینی کم‌رنگ شده است؛ زیرا شوهران مانع رفت‌وآمد زن به خانه بستگانش می‌شوند و از عمل به تکالیف دینی و انسانی خویش روی‌گردان‌اند.

۱. سوره شعراء، آیه ۲۱۴: «و خویشاوندان نزدیک را انداز کن.»

۲. حسین انصاریان، نظام خانواده در اسلام، ص ۴۸۸.